درمکتب امام

برای آمریکا دست و پا می‌زنند

مع‌الأسف در داخل ما هم جناح‌هایی هستند دست و پا می کنند که همان مسائل را درست کنند. یعنی دست و پا می کنند که آمریکا قدرت پیدا کند. این ننگ را ما کجا باید ببریم که اهالی یک کشوری، افرادی که از همین مملکت است، اینجا زاییده شده و اینجا پرورش پیدا کرده، حالایی که مملکت ما و ملت ما قدرت آمریکا را در اینجا شکست داده است، باز روابط با آمریکا دارند که برگردانند. ما این ننگ را باید کجا ببریم.

صحیفه امام؛ ج۱۱؛ ص۲۶۰ | قم؛ ۲۵ آذر ۱۳۵۸

پاسخ قرآنی بقائی به شاه بحرین:

تکلم به زبان عربی شما را داعیه‌دار رسالت محمدی(ص) نمی کند

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نوشت: آیا همراهی با نیروهایی که علیه یک کشور مسلمان دست به تجاوز نظامی زده‌اند، با نهی صریح قرآن کریم مبنی بر عدم همپیمانی با ستمگران یا یاری رساندن به متجاوزان، همخوانی دارد؟ و آیا میزبانی دشمنان مسلمانان و حمایت از تجاوز نظامی آنان علیه همسایه مسلمان با حق همسایگی و اخوت اسلامی سازگار است؟

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ایران ملتی است با تمدنی کهن و غنی که اسلام را پذیرا شد و در سده‌های پس از آن، به یکی از ارکان اصلی در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی بدل گشت و در حوزه‌های گوناگونی از فقه و حدیث گرفته تا فلسفه، پزشکی، ریاضیات و ادبیات نقش‌آفرینی کرد. معیار برتری در اسلام نه زبان عربی است و نه نزدیکی جغرافیایی به سرزمین وحی؛ چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست» [سوره حجرات: ۱۳]. از این رو، هیچ حاکمی حق ندارد صرفِ عرب‌زبان بودن را دستاویزی برای ادعای نمایندگی «رسالت محمدی(ص)» قرار دهد و یا چنین ادعایی را جایگزین پایبندی به آموزه‌هایِ روشن اسلام سازد.

جمهوری اسلامی ایران همواره- فارغ از اختلافات سیاسی- بر اصل حسن همجواری و روابط برادرانه میان ملت‌های اسلامی تأکید ورزیده است؛ حتی در تعامل با حکومتی نوپا که بر بخشی جداشده از خاک ایران حکم می‌راند. در مقابل، قرآن کریم به‌صراحت هشدار می‌دهد: «وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» [سوره هود: ۱۱۳]؛ بدین معنا که نباید به ظالمان گرایش یافت یا از آنان حمایت کرد. به همین ترتیب، پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: «هر کس ستمگری را یاری کند، خداوند همان ستمگر را بر او مسلط می‌گرداند».

بنابراین، هر کس که از «پیام محمد(ص)» سخن می‌گوید، شایسته است پیش از آنکه دیگران را پند دهد، رفتار حکومت خود را با همین معیارها بسنجد: آیا همراهی با نیروهایی که علیه یک کشور مسلمان دست به تجاوز نظامی زده‌اند، با نهی صریح قرآن کریم مبنی بر عدم هم‌پیمانی با ستمگران یا یاری‌رساندن به متجاوزان، همخوانی دارد؟ و آیا میزبانی دشمنان مسلمانان و حمایت از تجاوز نظامی آنان علیه همسایه مسلمان با حق همسایگی و اخوت اسلامی سازگار است؟ پاسخ این پرسش‌ها به روشنی در قرآن کریم بیان شده، توسط سنت پیامبر (ص) تأیید گردیده و وجدان امت اسلامی نیز بر آن گواهی می‌دهد».

به گزارش ایرنا، اظهارات بقائی در واکنش به موضع‌گیری اخیر پادشاه بحرین درخصوص ایران بیان شده است.

حمد بن عیسی، پادشاه بحرین اخیرا در اظهار نظری عجیب ادعا کرده بود: «حضرت محمد(ص) پس از قرن‌ها تاریکی در ایران به آن عمق روحی، انسانی و معرفتی بخشید؛ به خاطر تشکر از این کار حداقل دیگر به بحرین حمله نکنید».

سردار ابن‌الرضا:

صنعت دفاعی باید سریع‌تر از نیاز میدان نبرد حرکت کند

سرپرست وزارت دفاع گفت: صنعت دفاعی باید بتواند با کمترین هزینه، بیشترین قدرت رزمی را تولید کند و نیازهای میدان نبرد را در همان زمان نبرد پاسخ دهد.

سردار سرتیپ پاسدار سید مجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، روز شنبه (۱۰ مردادماه) در جمع دانشمندان صنعت دفاعی، با تشریح الزامات نبردهای آینده، بر توسعه فناوری‌های فضاپایه، ارتقای اشراف اطلاعاتی، اقتصاد دفاع و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های صنعتی تأکید کرد.

سردار ابن‌الرضا با اشاره به برخی تحلیل‌ها درباره وضعیت راهبردی آمریکا در منطقه، اظهار داشت: ممکن است امروز بسیاری از تحلیلگران از سرگشتگی، بن‌بست و محدود شدن گزینه‌های دشمن به دلیل موفقیت نیروهای مسلح ما و ناکامی او در تحقق اهدافش سخن بگویند، اما برای ما این تحلیل‌ها نباید منشأ غفلت و توقف شود. صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید با شتابی بیش از گذشته مسیر پیشرفت، نوآوری و آمادگی را ادامه دهد؛ چراکه به تعبیر رهبر شهید انقلاب اسلامی، «نباید با لالایی دشمن خوابمان ببرد.» وظیفه ما آن است که هر روز آماده‌تر، هوشمندتر و قدرتمندتر از روز قبل باشیم. وی با بیان اینکه بخش قابل توجهی از جنگ‌های امروز و آینده، جنگی فضاپایه است، اظهار داشت: فناوری‌های فضاپایه دیگر یک مزیت جانبی نیستند، بلکه در هدایت، ناوبری، شناسایی، فرماندهی و کنترل، هم در حوزه آفند و هم در حوزه پدافند، نقش تعیین‌کننده دارند و هر کشوری که در این عرصه برتری داشته باشد، در میدان نبرد نیز دست برتر را خواهد داشت.

سرپرست وزارت دفاع، با اشاره به اشراف اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، آن را زیربنای موفقیت در عملیات‌های نظامی دانست و افزود: توسعه فناوری‌هایی که قدرت شناسایی، پایش و درک لحظه‌ای میدان نبرد را افزایش می‌دهند، باید در اولویت صنعت دفاعی قرار گیرد، زیرا برتری عملیاتی پیش از شلیک نخستین گلوله، در عرصه اطلاعات و شناخت محیط عملیاتی شکل می‌گیرد.

سردار سرتیپ پاسدار ابن‌الرضا با تبیین مفهوم اقتصاد دفاع تصریح کرد: یکی از شاخص‌های قدرت در جنگ‌های آینده، توان تولید قدرت رزمی با کمترین هزینه است. هنر صنعت دفاعی آن است که با اتکا به توان داخلی، بومی‌سازی و طراحی‌های خلاقانه، تجهیزات مؤثر، ارزان، چابک و قابل تولید در مقیاس مورد نیاز نیروهای مسلح را فراهم کند. همان‌گونه که در میدان نبرد نامتقارن عمل می‌کنیم، در اقتصاد جنگ نیز باید نامتقارن، هوشمند و بهره‌ور باشیم.

به گزارش فارس، سرپرست وزارت دفاع، سرریز فناوری‌های دفاعی به بخش‌های مختلف کشور را از الزامات توسعه ملی دانست و اظهار داشت: هر فناوری که در صنعت دفاعی تولید می‌شود، باید علاوه‌بر افزایش قدرت بازدارندگی، موتور محرک پیشرفت در صنایع، حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات و سایر حوزه‌های راهبردی کشور نیز باشد و این تعامل، یکی از مزیت‌های مهم صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

گزارش روز صد و پنجاه و پنجم جنگ

تنها راه فرار ترامپ از باتلاق جنگ امتیاز دادن به ایران است

دونالد ترامپ همچنان مشغول خط و نشان کشیدن است اما حریف او چنان قدرتمند است که نمی تواند اعتراف نکند. در روزی که ترامپ می‌گفت «بیشتر مردم تا حالا تسلیم شده بودند. اما ایرانی‌ها تسلیم نشدند. آنها سرسخت هستند.»، یک عضو شورای روابط خارجی آمریکا گفت: «ترامپ، مانند جنگ ویتنام، به جنگی وارد شده که شاید پایان آن دیگر در کنترلش نباشد. این مثل سوار شدن بر پشت یک ببر است که نمی‌دانی کجا و چگونه پیاده خواهی شد». در روز صد و پنجاه و پنجم جنگ، نشریه آتلانتیک تأکید کرد: «بزرگ‌ترین اشتباه ترامپ در جنگ، عدم شناخت ایران بود» و نشریه فوربس نوشت: «نبرد بر سر تنگه هرمز آینده آمریکا را تعیین می‌کند و اگر کنترل تنگه در اختیار ایران باقی بماند، این امر نقطه آغازی برای تغییر نظم جهانی و زوال امپراتوری آمریکا خواهد بود». همزمان، اندیشکده کیتو گزارش داد: دوران بسته‌شدن پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا فرارسیده است.

خسته، فرسوده و کلافه در برابر مقاومت ملت ایران

سخنان جمعه‌شب ترامپ از نظر «انسجام و استحکام ساختار، آرامش و متانت در گفتار، همخوانی صدر و ذیل گفتار، و دغدغه‌های پنهان در آن» کاملاً به‌هم‌ریخته و آشفته بود و وضعیت روانی خسته و فرسوده و عصبانی را به نمایش می‌گذاشت: «- آنها هنوز تعدادی موشک دارند، اما بسیار کمتر از چهار- پنج ماه پیش است. توان تولید موشک و پهپادشان تقریباً از بین رفته، اما هنوز مقداری از آنها را دارند.

- ما می‌توانیم با ایران به توافق برسیم، اما دارم اعتمادم را به آنها از دست می‌دهم، چون دروغ می‌گویند.

- قیمت‌ها به شدت کاهش یافته‌اند، با استثنای نفت. زمانی که دو هفته پیش فکر می‌کردند ما به توافقی رسیده‌ایم، قیمت‌ها به شدت سقوط کرد. اما ما می‌خواهیم به یک توافق واقعی برسیم. من نمی‌خواهم یک توافق دروغین داشته باشم.

- ما درباره هسته‌ای صحبت خواهیم کرد. من می‌گویم چرا به ۷ ساعت نیاز دارید؟ چرا نمی‌توانید ۵ یا ۱۰ دقیقه وقت بگذارید؟ تنها کاری که می‌کنند این است که مرا عصبانی می‌کنند.

- آنها واقعاً وضعیت بسیار بدی دارند. آنها در تعامل، بسیار غیرصادق و بی‌شرف بوده‌اند.

- ما ضربات بسیار سختی به آنها خواهیم زد. در نهایت به جایی می‌رسند که خواهند گفت دیگر نمی‌توانیم تحمل کنیم.

- بیشتر مردم تا حالا تسلیم شده بودند. اما ایرانی‌ها تسلیم نشدند. آنها سرسخت هستند.

- ما پنج ماه است که درگیر این موضوع هستیم؛ اگر به ویتنام نگاه کنید، آنها ۲۰ سال درگیر آن جنگ بودند».

تصاعد تنش با پاسخ قاطع همراه خواهد شد

لفاظی‌های پیاپی ترامپ، قادر به پوشاندن ضعف‌ها و آسیب‌های ساختاری در راهبرد ازهم‌پاشیده دولت آمریکاست. دنی سیترینوویچ، رئیس سابق بخش ایران در اطلاعات نظامی اسرائیل دیروز تأکید کرد: آسیب به زیرساخت‌ها ایران را تسلیم نمی‌کند؛ تهران دست به تصاعد متقابل خواهد زد. گسترش دامنه عملیات به زیرساخت‌های غیرنظامی و اقتصادی، بعید است به نتیجه استراتژیک متفاوتی منجر شود. ایران با بالا بردن هزینه‌ها برای متخاصمان پاسخ می‌دهد. ایران به جای تسلیم‌شدن، تلاش خواهد کرد از طریق حمله به زیرساخت‌های حیاتی حاشیه خلیج‌فارس و حفظ فشار بر دو تنگه بحرانی دریانوردی جهان، درد و هزینه‌ای مشابه را به آنها تحمیل کند. تنگه هرمز و باب‌المندب به همین راحتی بازگشایی نخواهند شد. هیچ «راهکار معجزه‌آسای نظامی» برای چالش ایران وجود ندارد. ایران بارها نشان داده که حاضر است هزینه‌های فوق‌العاده‌ای را متحمل شود اما از موضع ضعفی که احساس کند، وارد مذاکره نشود. اگر اتفاقی هم بیفتد، این است که تهران به احتمال زیاد به تصاعد مجدد تنش دست خواهد زد تا معادله بازدارندگی جدیدی ایجاد کند. این پاسخ می‌تواند شامل کمپینی گسترده‌تر علیه زیرساخت‌های انرژی در سراسر منطقه و حتی احتمالاً حمله به تأسیسات فوق‌العاده حساس استراتژیک، از جمله سایت‌های هسته‌ای باشد.

تهدید برای امتیازگیری در مذاکره

دیروز روزنامه وال‌استریت‌ژورنال از قول برخی منابع ادعا کرد ترامپ دستور حمله جدیدی به ایران را با هدف وادار کردن تهران به تسلیم صادر کرده است. این عملیات ممکن است از آخر هفته جاری (شنبه، یکشنبه) آغاز شده و چندین روز ادامه داشته باشد. به گفته این منابع، هرگونه پیشرفت فوری در دیپلماسی یا تغییر نظر ترامپ می‌تواند اجرای حملات را متوقف کرده و مسیر مذاکرات را دوباره باز کند. مقام‌های آمریکایی گفتند ترامپ معتقد است توافق موقت صلح کارساز نبوده و همچنان بر توقف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و پایان کنترل تهران بر تنگه هرمز اصرار دارد، در حالی که تهران از مواضع خود عقب‌نشینی نکرده است. مشاوران نظامی ترامپ کاهش ذخایر مهمات آمریکا را یکی از مخاطرات احتمالی این عملیات ارزیابی کرده‌اند.

ترامپ مانند ماجرای ویتنام اختیار جنگ را از دست داده است

اما انبوه گزارش‌های روزانه رسانه‌های آمریکایی، عجز و اختلال دونالد ترامپ در جنگ با ایران را تأیید می‌کنند. ری تکیه- شورای روابط خارجی آمریکا در یادداشتی هشدار داد: ترامپ، مانند لیندون جانسون در جنگ ویتنام، خطر ورود به جنگی را پذیرفت که شاید پایان آن دیگر در کنترلش نباشد. سیاست آمریکا در برابر قدرت‌هایی مانند ایران، بر این فرض استوار بوده که افزایش تدریجی فشار نظامی می‌تواند او را وادار به عقب‌نشینی کند؛ اما تجربه ویتنام نشان داد این راهبرد اغلب به جای تسلیم، به تشدید درگیری منجر می‌شود. چنین راهبردی توانایی طرف مقابل برای تحمل فشار و بسیج داخلی را دست‌کم می‌گیرد. بمباران و فشار نظامی شاید نه اراده حکومت‌ها را تضعیف کند و نه مردم را از مقاومت بازدارد، بلکه به گسترش درگیری بینجامد. تکیه می‌افزاید: ایران برخلاف برآوردهای واشنگتن، ظرفیت بالایی برای تحمل هزینه‌های جنگ طولانی را دارد و می‌تواند با استفاده از اهرم‌هایی مانند خلیج‌فارس، هزینه‌های قابل‌توجهی به آمریکا و اقتصاد جهانی تحمیل کند. جورج بال درباره جنگ ویتنام هشدار داد: وقتی بر پشت ببر سوار می‌شویم، نمی‌توانیم مطمئن باشیم کجا و چگونه پیاده خواهیم شد. اکنون نیز آمریکاخطر سوار شدن بر «ببر» دیگری را پذیرفته است.

نه دشمن را می شناسد، نه می‌داند چه می‌خواهد

در همین زمینه نشریه فارن افرز نوشت: تقریباً از همان نخستین لحظات آغاز این جنگ، رئیس‌جمهور آمریکا درباره هدف این جنگ، میزان ریسک‌پذیری خود و آنچه واشنگتن «پیروزی» تلقی می‌کند، دچار تردید و نوسان بوده است. او تهدید به نابودی تمدن ایرانی کرده و سپس بلافاصله توافق آتش‌بس را امضا کرده است. ترامپ نمی‌داند چه می‌خواهد و همین باعث ادامه جنگ می‌شود. پیام‌های متناقض ترامپ ایران را بدبین‌تر کرده است. همچنین نشریه آتلانتیک درباره اشتباه بزرگ ترامپ می‌نویسد: بزرگ‌ترین اشتباه ترامپ در جنگ، عدم شناخت ایران بود. برای بیش از ۲۵۰۰ سال، فرماندهان نظامی به توصیه سون تزو، استراتژیست بزرگ چینی عمل کرده‌اند: «دشمنت را بشناس». با این حال، به‌نظر می‌رسد ترامپ و تیمش مهم‌ترین نکته را در جنگ با ایران نادیده گرفته‌اند؛ این‌که پیروزی فقط با فشار نظامی به‌دست نمی‌آید، بلکه نیازمند فهم دقیق اولویت‌ها و آستانه تحمل طرف مقابل است. چنین سوءبرداشت‌هایی جنگ را به چرخه‌ای فرسایشی تبدیل کرده است. حمله موشکی ایران به نیروهای آمریکایی در اردن نشان داد که دیگر صرفاً در موضع واکنشی نیست، بلکه می‌خواهد عنصر غافلگیری را هم به میدان بازگرداند. در سطح راهبردی، آمریکا هنوز میان تشدید فشار، مذاکره و تحریم سرگردان است، در حالی که ایران بر این باور است که می‌تواند فشار را تحمل کند و با اتکا به موشک‌ها، پهپادها و حمایت متحدان منطقه‌ای، زمان را به سود خود تغییر دهد.

ترامپ فقط یک راه برای فرار از باتلاق دارد

دیروز وب‌سایت سی‌ان‌ان در ارزیابی وضعیت دونالد ترامپ تأکید کرد: ترامپ ناامید و مستأصل، به دنبال خروج از جنگ با ایران است. ترامپ تنها یک راه برای فرار از باتلاق دارد و آن هم پذیرش درآمد ایران از تنگه هرمز است. همچنین نیویورک‌پست خاطرنشان کرد: جنگ علیه ایران به باری بر دوش دولت ترامپ تبدیل می‌شود. جنگ نامحبوب که جایگاه رئیس‌جمهور وقت آمریکا را تضعیف کرد. میزان محبوبیت ترامپ در نظرسنجی‌های اصلی به زیر ۴۰درصد سقوط کرده است. خبرگزاری آسوشیتدپرس هم گزارش داد: میزان رضایت از ترامپ در مدیریت بحران ایران به سطح کم‌سابقه ۲۸درصد کاهش یافته است. گزارشی بر پایه تازه‌ترین پیمایش مرکز تحقیقات افکار عمومی AP-NORC نشان می‌دهد که اکثریت قاطع جامعه آمریکا با ادامه جنگ علیه ایران مخالفاند و عملکرد نظامی دولت دونالد ترامپ را زیر سؤال برده‌اند. براساس یافته‌های این پیمایش، حدود ۶۴درصد از مردم آمریکا معتقدند این درگیری نظامی ارزش جنگیدن نداشته است. هم‌زمان، میزان رضایت از عملکرد ترامپ در مدیریت بحران ایران به سطح کم‌سابقه ۲۸درصد کاهش یافته است. در حالی که فیلیپ جیرالدی، افسر سابق اطلاعاتی آمریکا گفته «ترامپ باید برای خروج از جنگ به ایران امتیاز دهد»، نشریه سوئیسی لوتان نوشت: دونالد ترامپ فکر می کند فریاد زدن با صدای بلند واکنش ایرانی‌ها را برمی‌انگیزد اما این یک برداشت نادرست از ایران است.

توان موشکی ایران از بین نرفت، کارآمدتر شد

همچنین برخلاف لفاظی‌های دائمی ترامپ درباره نابودی توان نظامی ایران، نشریه معتبر فایننشال‌تایمز گزارش داد: توان موشکی ایران پس از پنج ماه جنگ همچنان عملیاتی است. به اعتقاد کارشناسان برجسته نظامی و راهبردی، برخلاف هدف اعلام‌شده واشنگتن برای نابودی توان و خطوط تولید موشکی تهران، قدرت موشکی ایران نه‌تنها از بین نرفته، بلکه کارایی خود را حفظ کرده است. ایران توانسته حملات دقیق خود به اهداف و پایگاه‌های نظامی در اردن، کویت، بحرین، عربستان سعودی و قطر را ادامه دهد. آتش‌بس‌های مقطعی و کاهش موقت شدت حملات آمریکا، فرصت مناسبی برای بازیابی یگان‌های موشکی ایران فراهم کرده است. مهندسان ایرانی نیز با سرعت چشمگیری پایگاه‌های زیرزمینی آسیب‌دیده را بازسازی و دوباره عملیاتی کرده‌اند. همچنین تغییرات معنادار در تاکتیک‌های عملیاتی، از جمله افزایش تحرک یگان‌ها، پنهان‌کاری مؤثرتر با استفاده از عوارض زمین و انجام پرتاب‌ها در طول روز، شناسایی و رهگیری سکوهای پرتاب را برای ائتلاف غربی به‌شدت دشوار و پیچیده کرده است.

تأثیر فرسایش زرادخانه آمریکا بر دفاع از اسرائیل

روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی هشدار داده که جنگ علیه ایران، زرادخانه آمریکا را فرسوده کرده است: پنتاگون برای جبران موشک‌های مصرف‌شده آزمون سختی دارد. بازگرداندن ذخایر پاتریوت و تاد به سطح پیش از جنگ ایران ممکن است سه سال یا بیشتر طول بکشد. شدت مصرف تسلیحات در جنگ ایران اکنون پنتاگون را وادار کرده است به شرکت‌های نوپای سیلیکون‌ولی تکیه کند. کاهش ذخائر پدافندی آمریکا به حدی چشمگیر است که ژنرال الکسوس گرینکویچ، فرمانده نیروهای آمریکایی در اروپا به پنتاگون هشدار داد کمبود ناوشکن‌های نیروی دریایی، توان واشنگتن برای دفاع از رژیم صهیونیستی در برابر حملات موشکی بالستیک ایران را محدود کرده است. به گزارش واشنگتن‌پست، وی اعلام کرده این کمبود تجهیزات، او را ناچار کرده اولویت را به حفاظت از خاک آمریکا اختصاص دهد. ناوشکن‌های مجهز به سامانه‌های دفاع موشکی، از اصلی‌ترین ابزارهای آمریکا برای رهگیری موشک‌های بالستیک ایران به‌شمار می‌روند و کمبود آنها فشار مضاعفی بر منابع نظامی واشنگتن در شرایط تشدید تنش‌ها در منطقه وارد کرده است.

از بحران هویتی پایگاه‌های پنتاگون تا کارکرد معکوس جنگ

بحران راهبرد نظامی موجب شد تا جان کریاکو، مقام سابق سازمان جاسوسی سیا بگوید: آمریکایی‌ها برای محافظت از دولت‌های خلیج(فارس) آنجا هستند، اما اگر نتوانند از ما محافظت کنند و حتی از تأسیسات خودشان دفاع کنند، چرا اصلاً آنجا هستند؟ به نظر من این آغاز پایان حضور سنگین نظامی آمریکا در خلیج‌فارس است. وال‌استریت‌ژورنال گزارش داده که پنتاگون در حال بازنگری در تعداد نیروهای آمریکا در کویت است و ممکن است یکی از دو پایگاه نظامی آنجا را ببندیم. جان کریکو همچنین اظهار کرد: حمله به یک کشور، یا کشتن رهبران آن آسان است؛ اما یافتن یک استراتژی خروج مؤثر تقریباً غیرممکن است. ما همیشه تصور می‌کنیم به‌عنوان آزادکننده از ما استقبال خواهد شد، اما در عمل به چشم متجاوز و اشغالگر دیده می‌شویم. اگر این جنگ در مدت کوتاهی یک نتیجه داشته باشد، این است که ایرانیان داخل کشور را علیه آمریکا، اسرائیل و کشورهای خلیج‌فارس متحد کرده است.

فرسودگی الگوی سیاسی ترامپ

نشریه پولیتیکو هم جنگ علیه ایران را «آینه‌ای از فرسودگی الگوی سیاسی ترامپ» می‌داند و تأکید می‌کند: رئیس‌جمهور آمریکا، در ضیافت سالانه انجمن خبرنگاران کاخ‌سفید با اجرایی کم‌رمق و شوخی‌هایی که چندان مورد استقبال قرار نگرفت، یکی از ناموفق‌ترین حضورهای خود در این مراسم را تجربه کرد؛ رویدادی که می‌تواند نشانه‌ای از محدودیت‌های فزاینده سبک سیاسی او در سال‌های پایانی حضورش در کاخ‌سفید باشد. راهبرد جمهوری‌خواهان همچنان بر این ایده استوار است که «ترامپ، همان ترامپ باشد»؛ رویکردی که در سیاست خارجی و از جمله جنگ با ایران نیز با تصمیم‌های متغیر، تهدیدها و اعلام آتش‌بس‌های ناپایدار دیده شده است. سبک بداهه‌پردازی و تصمیم‌گیری لحظه‌ای ترامپ ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود؛ به‌ویژه در شرایطی که جمهوری‌خواهان احتمال از دست دادن یکی از دو مجلس کنگره در انتخابات آینده را دارند و بحث درباره جانشین احتمالی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۸ به تدریج آغاز می‌شود.

لحظه سقوط امپراتوری بریتانیا برای آمریکا تکرار می‌شود؟

مجله فوربس به قلم رِی دالیو (میلیاردر و نابغه مالی جهان) درباره فرا رسیدن لحظه آغاز نابودی امپراتوری آمریکا هشدار داد و نوشت: نبرد بر سر تنگه هرمز آینده آمریکا را تعیین می‌کند و اگر کنترل تنگه در اختیار ایران باقی بماند، این امر نقطه آغازی برای تغییر نظم جهانی و زوال امپراتوری آمریکا خواهد بود. چند ماه پیش استدلال کردم اگر ایران هرگونه کنترلی بر تنگه هرمز داشته باشد، آمریکا بازنده جنگ تلقی خواهد شد و اکنون همین اتفاق در حال رخ دادن است و ما به زودی شاهد نبرد نهایی و نتیجه آن خواهیم بود. بین بحران تنگه هرمز و بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ شباهت تاریخی وجود دارد. ناکامی آمریکا در تأمین امنیت هرمز می‌تواند آغاز افول امپراتوری‌اش باشد، همان‌طور که شکست‌های مشابه برای بریتانیا، امپراتوری هلند و امپراتوری اسپانیا رقم خورد. در مورد جنگ ایران همه‌چیز بر سر این است که چه کسی تنگه هرمز را کنترل کند. من از سران دولت‌ها، کارشناسان و مردم جهان می‌شنوم که اگر کنترل تنگه هرمز در دست ایران باقی بماند، آمریکا بازنده جنگ تلقی شده و ایران برنده شناخته خواهد شد. چرا که کنترل تنگه هرمز توسط ایران اثبات‌کننده این واقعیت است که آمریکا قدرت حل وضعیت کنونی را ندارد. پیامدهای پذیرش قدرت ایران در بستن مهم‌ترین تنگه جهان برای آمریکا، متحدانش، اقتصاد جهان و نظم جهانی فوق‌العاده ویرانگر خواهد بود.

کنترل ایران بر تنگه یعنی باخت آمریکا

فوربس اضافه کرد: خطر قابل‌توجهی وجود خواهد داشت که از دست دادن کنترل هرمز برای آمریکا همان چیزی باشد که بحران کانال سوئز برای بریتانیای کبیر (در سال ۱۹۵۶) بود و شکست‌های مشابه برای امپراتوری هلند در قرن هجدهم و امپراتوری اسپانیا در قرن هفدهم بود. الگوی رویدادهایی که منجر به فروپاشی امپراتوری‌ها می‌شود تقریباً همیشه یکسان است. موارد بی‌شماری وجود دارد که در آن یک قدرت کوچک‌تر، قدرت برتر جهان را بر سر کنترل یک مسیر تجاری حیاتی به چالش می‌کشد. در طول تاریخ همیشه فرض بر این بود که آمریکا قدرت برتر خواهد ماند و می‌تواند از نظر نظامی و مالی بر مخالفانش (که قدرت کمتری دارند) پیروز شود، اما اگر تنگه هرمز در دست ایرانی‌ها باقی بماند، این‌گونه برداشت خواهد شد که آمریکا باخته و اعتبارش را از دست داده است. خارج کردن هرمز از کنترل ایران نیازمند یک نبرد بزرگ است. نتیجه این نبرد برای رهبران ایران و بزرگ‌ترین بخش از جمعیت ایران حیاتی و وجودی است. آنها حاضرند در این مسیر برای عزت‌شان فداکاری کنند؛ در حالی که آمریکایی‌ها نگران قیمت بالای بنزین هستند و رهبران آمریکا، نگران انتخابات کنگره.

جنگ دیدگاه مردم عادی ایران را تغییر داد

ماریو نوفل تحلیلگر آمریکایی با اشاره به ناراحتی شدید افکار عمومی ایران از جنایات و عهدشکنی‌های آمریکا یادآور شد: نظرسنجی‌ها در ایران نشان می‌دهد این جنگ دیدگاه مردم عادی ایران را نسبت به بمب هسته‌ای تغییر داد و اینکه چرا هر توافقی، روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود. رابرت بارنز به یک دهه نظرسنجی دانشگاه مریلند در داخل ایران پرداخته و تغییر نگرش در اواخر سال ۲۰۲۵، نادیده‌گرفته‌شده‌ترین داده‌های این جنگ است. پس از ترورها و حملات، مردم عادی ایران نظر خود را عوض کردند: دیگر ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای را الزام‌آور نمی‌دانستند، معتقد بودند ایران باید به نقض حاکمیت خود با زور پاسخ دهد نه دیپلماسی، و می‌گفتند به ترامپ در مذاکره نمی‌توان اعتماد کرد. آنها دیده بودند تغییر رژیم با عراق، سوریه و لیبی در همسایگی‌شان چه کرده و درس آشکار ضعف را گرفته بودند. این همه‌چیز را درباره دیپلماسی بازتعریف می‌کند، چون به این معناست که آن تفاهم‌نامه در خلاف جریان افکار عمومی یک ملت کامل امضا شده و هر توافق آینده باید برخلاف جریانی شنا کند که فقط قوی‌تر شده است.

زمان بستن پایگاه‌های آمریکا فرا رسیده است

در وضعیت بحران راهبرد نظامی آمریکا و زیر ضرب رفتن پایگاه‌های پنتاگون، اندیشکده کیتو گزارش داد: دوران بسته‌شدن پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا فرا رسیده است. جنگ فاجعه‌بار آمریکا علیه ایران دست‌کم یک نقطه روشن دارد. این جنگ به‌طور ناخواسته نشان داد دلیل محکمی برای بستن پایگاه‌های آمریکا در سراسر غرب آسیا و بازگرداندن نیروهای آمریکایی به خانه وجود دارد. درگیری مستمر واشنگتن در غرب آسیای همیشه ناپایدار، یادگاری از دوران جنگ سرد است. آن جهان مدت‌هاست که از بین رفته است. در مورد کشورهای عرب دیکتاتور خلیج‌فارس، واشنگتن باید بار محافظت از آنها را از دوش خود بردارد. آمریکایی‌ها هیچ وظیفه‌ای ندارند که به عنوان محافظ برای خانواده‌های سلطنتی هرزه‌ای که معتقدند کار سخت برای دیگران است، عمل کنند. کاهش تعهدات واشنگتن در خاورمیانه، محرک‌های جنگ را نیز کاهش خواهد داد. پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا به تعهداتی پرهزینه تبدیل شده‌اند که به معنای واقعی کلمه، جان آمریکایی‌ها را هدف قرار می‌دهند.

قالیباف:

شرط ایران قوی وحدت حول محور ولایت است

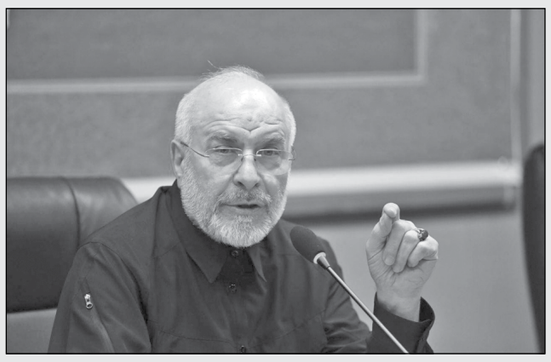

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: در گام دوم انقلاب باید متمرکز بر قوی شدن باشیم که یک شرط آن وحدت حول محور ولایت است.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای هماهنگی مجلس، با تأکید بر ضرورت تمرکز بر موضوع «ایران قوی» گفت: امروز واقعاً موضوع نخست، قوی شدن ایران است و بیش از هر زمان دیگری این موضوع را احساس می‌کنیم. اگر به چهار یا پنج سال گذشته، یعنی از بعد از شهادت شهید سلیمانی نگاه کنیم، می‌بینیم که امام شهید ما همواره بر موضوع «ایران قوی» تأکید داشتند.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی ادامه داد: ما در گام دوم انقلاب، با رهبری رهبر معظم انقلاب اسلامی، باید بر قوی شدن متمرکز باشیم. یکی از شروط این قوی شدن، وحدت حول محور ولایت است. ما مسئولان در درجه اول باید بسط ید برای ولایت فقیه ایجاد کنیم. اگر می‌خواهیم ایران قوی داشته باشیم، باید از همین‌جا آغاز کنیم؛ تا تک‌تک ایرانیان قوی شوند، خانواده‌های ایرانی قوی شوند، ملت ما قوی شود و در نهایت انقلاب اسلامی و ایران عزیز ما قوی شود.

باید پیروزی خود در جنگ را تثبیت کنیم

وی با اشاره به جنگ اخیر، اظهار کرد: این موضوع همچنین منوط به پیروزی در این جنگ است؛ پیروزی در جنگی که در آن پیروز شدیم، اما این پیروزی باید تثبیت شود. باید بتوانیم این پیروزی را ثبت کنیم. این امر حتماً نیازمند آن است که کشور امید به آینده داشته باشد، چشم‌انداز آینده روشن باشد و یکپارچگی و وحدت شکل گیرد و حفظ شود.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: اگر نتوانیم دستاورد نظامی خود را از نظر حقوقی و سیاسی به دست‌آوریم، آن را تثبیت کنیم و همه دنیا این واقعیت را ببینند، در غیر این صورت چگونه می‌خواهیم از این دستاورد استفاده کنیم؟

رئیس‌مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت هماهنگی همه عرصه‌های اداره کشور، گفت: من بحث فردی ندارم. ما چهار جبهه و چهار میدان داریم که باید همزمان و در کنار یکدیگر فعالیت کنند. بارها در مصاحبه‌ها نیز گفته‌ام که نباید این میدان‌ها را از یکدیگر جدا کنیم، چراکه جدا کردن آن‌ها به معنای ضعیف کردن ایران است و با این رویکرد، ایران قوی شکل نخواهد گرفت.

وی افزود: میدان نظامی یک میدان است، میدان دیپلماسی یک میدان دیگر است، میدان خدمت نیز جایگاه خود را دارد و میدان خیابان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این چهار عرصه باید در کنار هم، مکمل یکدیگر و به‌صورت متوازن عمل کنند.

ما یک ساعت بعد از بمباران متوجه شهادت رهبر انقلاب شدیم

رئیس‌مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به حمله دشمن به کشور در ۹ اسفند و شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی، متذکر شد: از همان لحظه‌ای که این اتفاق افتاد و شهادت ایشان قطعی شد و شاید حدود یک ساعت از بمباران گذشته بود و ما متوجه این موضوع شدیم، اقدامات و پیگیری‌هایی را آغاز کردیم و تلاش شد سران قوا و مسئولان ذی‌ربط گردهم آیند که با همکاری و تلاش‌های شهید علی لاریجانی و دیگر افراد این کار انجام شد و ساعت ۸ شب شد که توانستیم دور هم جمع شویم.

قالیباف ادامه داد: در آن جلسه ما ۶، ۷ نفر تصمیم گرفتیم که خبر شهادت حضرت آقا را چه زمانی اعلام کنیم. قطعی شد که خبر شهادت ایشان را ساعت ۸ صبح روز بعد اعلام شود. ما تا ساعت ۱۰ و نیم شب کنار هم بودیم و بعد کم کم پراکنده شدیم. اما حدود ساعت ۱۲:۳۰ بامداد، رسانه‌های خارج از کشور خبر شهادت رهبر شهید انقلاب اس